

■ آرمان شریف

شهید محمدرضا دستواره، مردی از مکتب حاج احمد متوسلیان بود. فرمانده‌ای شجاع، با صداقت و محکم‌کِه و جودش برای جبهه‌ها و زنه‌ای بود. شهید دستواره مسئولیت‌های مهمی را در لشکر ۲۷ داشت و در نهایت با مسئولیت قائم مقامی لشکر در جریان عملیات کربلای ۱ در ۱۲ تیر ۱۳۶۵ به شهادت رسید. شهید دستواره، خستگی ناپذیر در جبهه‌ها حضور داشت و پس از مجروحیت‌های متعدد باز هم به جبهه‌ها باز می‌گشت، حتی نامهربانی‌ها شهید دستواره را از جبهه و رزمندگان دور نکرد. او تحت هر شرایطی با قلبی پر از عشق و ایمانی استوار به مناطق جنگی می‌رفت و باکی از چیزی نداشت. به مناسبت سالروز شهادت قائم‌مقام لشکر ۲۷ با دو تن از نیروهای پیشکسوت و قدیمی لشکر به گفت‌وگو نشستیم تا بیشتر از شهید دستواره بدانیم.

■■■

■ **لقمه حلال پدر**

شهید دستواره بچه جنوب شهر بود؛ منطقه‌ای به نام گود عرب که مردم زحمتکشی را به خود دیده‌بود. سردار غزلی، درباره دوران کودکی شهید فضایی که در آن رشد کرد، می‌گوید: «خانواده‌رضا در محله گودعرب‌ها زندگی می‌کردند. زمانی که گود را خراب کردند، خیلی راحت می‌توانستند از مسئولان در جای بهتری خانه بگیرند، اما این کار را نکردند و با پولی که شهرداری داد به مناطق جنوبی‌تر شهر رفتند. پدرش پسرهایش را نیز وقف اسلام و جهاد در راه خدا کرد. رضا از همان کودکی بچه‌ای زحمتکش و باغیرتی بود. لقمه حلال و نان زحمتکشی پدر، رضا دستواره را پرورش داد و به چنین مقامی رساند. رضا خیلی غریب بود، اگر خیلی به شهید دستواره پرداخته نمی‌شود، برای همین غریبش است.

شهید دستواره قبل از رفتن به غرب کشور در یادگان ولبصر با حاج احمد آشنا شد و پس از آن غرب کشور را با همدیگر رفتند. در اصل رفاقت شهید دستواره و حاج احمد از همان میوان شکل گرفت. سردار محمد رضا نامی از رزمندگان لشکر و پژوهشگران دفاع مقدس، درباره فعالیت‌های شهید دستواره در لشکر ۲۷ می‌گوید: «شهید چراغی و قه‌ج‌ای بیشتر در حوزه نیروی انسانی و کار ستادی فعالیت می‌کرد. شهید دستواره برای حاج احمد یک آچار فرانسه بود، هرچنان‌بود سریع وارد می‌شد و پس از عملیات بیت‌المقدس هم کار ستادی و هم کار عملیاتی می‌کرد و تا قبل از این عملیات اینگونه نبود که کار عملیاتی انجام ندهد، منتها مسئولیت اصلی‌شان در حوزه نیروی انسانی بود. بعد از اسارت حاج احمد بیشتر در کار عملیاتی حضور پیدا کرد.»

■ **عشق به فرمانده**

سردار غزلی، خدمت شهید دستواره در کار ستادی را چنین شرح می‌دهد: «حاج احمد شهید دستواره را اول کار برای پرسنلی تیپ گذاشت. رضا آدم کار پرسنلی نبود و چون فرمانده‌اش، حاج احمد چنین چیزی را از او خواسته بود، آن را قبول کرد. رضا بچه عملیاتی بود. اگر حاج احمد به هر کدام از ما می‌گفت بمیرید ما می‌گفتیم چشم! علاقه‌ای که شهید دستواره به حاج احمد داشت، باعث می‌شد تا هر کاری فرمانده‌اش بگوید با جان و دل قبول کند، و گرنه شما کجا دید یک نیروی پرسنلی، قائم مقام لشکر شود.»

پس از اسارت حاج احمد، زمان آبدیده‌شدن شهید دستواره است. او باید فراغ حاج احمد و دیگر یارانش را تحمل می‌کرد و روحیه، نشاط و خودباوری را با خود به لشکر بیاورد. محمدرضا



مروری بر مجاهدت‌های شهید محمدرضا دستواره قائم‌مقام لشکر ۲۷ در گفت‌وگوی «جوان» با ۲ رزمنده پیشکسوت لشکر

بزرگی شهید دستواره از غربت و مظلومیت او می‌آید

محمد توسلی، علیرضا مهرآئینه‌ا از نیروهای

ممتاز حاج احمد بودند که همه شهید شدند و رفتند. رضا با بچه‌ها رفیق بود و کار می‌کرد و بچه‌ها هم دوستش داشتند. شهید دستواره بسیار آدم فهیمی بود.»

سردار غزلی در بدر و و الفجر ۸ به طور مستقیم با شهید دستواره کار کرده بود و خاطرات بالارزشی از شهید دارد. ایشان حضور شهید در این عملیات را اینگونه بازگو می‌کند: «در عملیات والفجر ۸ در قافو می‌دانست برای فریب



سردار رضا غزلی

■ **هوش نظامی فرمانده**

سردار غزلی ضمن بیان صفا و شجاعت شهید دستواره در مورد قائم‌مقامی‌اش در لشکر می‌گوید: «شهید دستواره هوش نظامی بالایی داشت که به قائم مقامی لشکر رسید. اگر کسی هوش و ذکاوت نظامی نداشته باشد، بچه‌های تهران برای فرماندهی قبولش ندارند. رضا بچه بااداریت و فهمیده‌ای بود. من یک جایی صحبت می‌کردم، گفتم که بروجردی در یاب و گوهر شناس بود، حاج احمد هم از او یاد گرفته بود و نقراتی که مسئولیت داده بود، همه قدر و یل بودند. فرمانده گردان‌های لشکر هر کدام‌شان در جای دیگر فرمانده تیپ می‌شدند و یک سر و گردن از دیگران بالاتر بودند. بچه‌هایی بودند که در کردستان سختی کشیده و آبدیده‌شده بودند. حاج احمد همانند شهید دستواره زیاد داشت که شهید چراغی، رستگار قه‌ج‌ای، حسن زمانی،



رضا پشت حقیقت می‌ایستاد و سینه سپر می‌کرد. شهید دستواره با صداقت و خلوص بسیار نیروها رفتار می‌کرد. باید اول لیاقت شهادت را پیدا کنید تا شهید شوید، رضا لیاقت شهادت را داشت که رفت. به تأسی از امام (رضاع) غریب بود و غربت‌ش را از آرباشش به‌ارث برده بود



سردار محمد رضا نامی

رضا بچه عملیاتی بود. اگر حاج احمد به هر کدام از ما می‌گفت بمیرید ما می‌گفتیم چشم! علاقه‌ای که شهید دستواره به حاج احمد داشت، باعث می‌شد تا هر کاری فرمانده‌اش بگوید با جان و دل قبول کند. و گرنه شما کجا دیدید یک نیروی پرسنلی، قائم‌مقام لشکر شود

وجود آمدن سوء تفاهم‌هایی می‌شد. سردار نامی در این مورد می‌گوید: «گاهی این نقد مثل جدال احسن می‌شد و همه بحث‌ها در مورد کار، وضعیت جاری لشکر و مواردی عملیاتی بود. این روحیه نقادی و بررسی موضوعات و بیان مسائل مختلف از خصوصیت‌های شهید دستواره بود. تعصب خاصی روی لشکر داشت، یعنی گاهی اوقات که بحث جابه‌جایی از لشکر به جاهای دیگر پیش می‌آمد، ایشان با تعصب خاصی می‌گفت، در لشکر می‌مانم. نقدها نیز در مورد مسائل کاری بود و ربطی به مسائل شخصی نداشت.»

سردار غزلی این روحیه شهید دستواره را چنین برمی‌شمارد: «رضا روحیه سلجشوری و جوانمردی داشت. با این خصلت‌هایی که داشت، رضا دستواره چند دستواره آدم شجاع و به‌رغم تمام مشکلات خیلی دلسوز بود. رضا به خاطر پست و مقام آدم منفعلی و خاموشی نبود. حقیقت را فدای مصلحت نمی‌کرد. از همین بابت خسران هم دید.اگر می‌دید کسی اشتباهی می‌کند سرش داد می‌زد. جایی حس می‌کرد که باید داد بزد، فریادش را می‌زد و نمی‌گفت اگر الان داد بزنم پست و موقعیتم را از من می‌گیرند. رضا اصلا دنبال پست و موقعیت نبود و برایش هم مهم نبود که در چه جایگاهی باشد. او دنبال کار کردن و خدمت بود و آدم به قران‌گویی نبود و قرص و محکم حرفش را می‌زد. این روحیه از خصلت‌های حاج احمد بود که همه ما یاد گرفته بودیم.»

■ **غربت فرمانده**

این پیشکسوت دفاع مقدس، شهید دستواره را شاگرد خوب و ممتاز حاج احمد می‌داند و بیان می‌کند: «آن زمان رزمندگان برای رهایی از سختی‌های دنیا و نامهربانی‌ها گریز گاهی داشتند و جبهه گریز گاشان بود. وقتی فشارها زیاد می‌شد، به جبهه می‌آمدند. جبهه‌وجودشان را تصفیه می‌کرد. شهید دستواره وقتی رفت، راحت شد، رضا شاید روی زمین گمنام باشد، ولی در آسمان‌ها گمنام نیست. شهید انسانی سختی کشیده و بچه مستضعف بود. خدا دوست داشت رضا را اینطور غریب برد و از بزرگی‌های رضا همین غربت و مظلومیتش است. رضا ظلم و نابرابری را برنمی‌تافت و پشت حقیقت می‌ایستاد و سینه سپر می‌کرد. شهید با صداقت و خلوص با نیروها رفتار می‌کرد. باید اول لیاقت شهادت را پیدا کنید تا شهید شوید. رضا لیاقت شهادت را داشت که رفت. به تأسی از امام (رضاع) غریب بود و غربت‌ش را از آرباشش به‌ارث برده بود.»

شهادت قائم مقام لشکر نیز مظلومانه است. قبل از شهادت، بر کشیدن برادرش را در عملیات کربلای یک می‌بیند. سردار نامی در این باره توضیح می‌دهد: «قبل از شهادت شهید دستواره در عملیات کربلای یک برادر کوچک‌شان حسین، در همین عملیات شهید می‌شود. سردار کوثری در آن شرایط عملیاتی با اصرار زیادی شهید دستواره را به تشییع بیکر برادرش به تهران می‌فرستد. سردار کوثری تعریف می‌کند، وقتی شهید دستواره به بهشت زهرا می‌رود، مزار کناری برادرش را نشان می‌دهد و می‌گوید اینجا را برای من در نظر بگیرید و وقتی که دوباره برای حضور در عملیات به منطقه می‌روند، در ۱۳ تیر ۱۳۶۵ به شهادت می‌رسند.»

نگاه

خرداد و تیر ۱۳۶۱ اعزام قوای محمد به سوریه

طلایه‌داران حضور مدافعان حرم در جبهه مقاومت اسلامی

■ **علیرضا محمدی**

کمتر از سه هفته بعد از پایان عملیات الی بیت‌المقدس، قوای محمد به فرماندهی حاج احمد متوسلیان به سوریه اعزام شد. آنها رفتند تا در برابر حمله رژیم صهیونیستی به لبنان از این کشور اسلامی دفاع کنند. رفت و برگشت‌شان کمتر از یک ماه طول کشید، اما آثار این حضور به ظاهر کوتاه‌مدت تاکنون ادامه دارد.

در دوران دفاع مقدس شاهد وقایعی بودیم که خود سرفصلی برای شروع مقطعی حساس از تاریخ معاصر ایران و بلکه منطقه به شمار می‌آیند. اعزام قوای محمد به سوریه در ۲۱ خرداد ۱۳۶۱ یکی از همین وقایع مهم و سرنوشت‌ساز است. پس از حمله اسرائیل به لبنان که ۱۵ خردادماه انجام شد، شورای عالی دفاع تصمیم گرفت به درخواست کمک کشورهای سوریه و لبنان پاسخ مثبت بدهد و نیروهایی را به سوریه اعزام کند. این قوا که ترکیبی از تیپ ۵۸ دوالقنار ارتش و تیپ ۲۷ محمدرسول الله(ص) سپاه بود، به فرماندهی حاج احمد متوسلیان به سوریه اعزام شدند. هدف قوای محمد(ص) در درجه اول نشان دادن قدرت جبهه اسلام در برابر استکبار



➤ حاج احمد متوسلیان و قوای محمد در سوریه

طلیعه‌دار همان مدافعان حرمی بودند که اکنون مرزهای مادی و معنوی ایران اسلامی را داند و موجودیت این رژیم منحوس را به مخاطره انداختند.

کمی آن سوتر در لبنان که روزگاری شیعیان به‌رغم جمعیت قابل توجه‌شان در محدودیت شدید قرار داشتند، حزب‌الله لبنان از ارتباط‌گیری جوانان شیعه این کشور نظیر سید حسن نصرالله که با رزمندگان ایرانی پا گرفت و رفته‌رفته به چنان قدرتی تبدیل شد که در جنگ ۳۳ روزه، برای اولین بار شکستی تمام‌عیار را بر ارتش به ظاهر شکست‌ناپذیر اسرائیل وارد کرد.

تشکیل حزب‌الله لبنان، زمینه‌سازی برای پذیرش مدافعان حرم در جبهه سوریه، همراهی مردم منطقه با جبهه مقاومت اسلامی و تشکیل گروه‌های جهادی متعدد در عراق، بخشی از اثراتی است که از حضور قوای محمد در سوریه اخذ می‌شود. این رزمندگان با دست‌های خالی، اما قلبی پر از ایمان به قدرت الهی به پیشواز نبردی رفتند که نهایتاً در خاورمیانه رخ خواهد داد و چهره این منطقه را برای همیشه تغییر خواهد داد.



تشکیل حزب‌الله لبنان و زمینه‌سازی برای پذیرش مدافعان حرم در جبهه سوریه بخشی از اثرات اعزام قوای محمد به فرماندهی حاج احمد متوسلیان بود. این رزمندگان با دست‌های خالی، اما قلبی پر از ایمان به قدرت الهی به پیشواز نبردی رفتند که نهاً بتا در خاورمیانه رخ داد و چهره منطقه را تغییر داد

و صهیونیسم جهانی بود و اگر دولت وقت سوریه حمایت‌های لازم را انجام می‌داد، این نیروها در عمل نیز با رژیم صهیونیستی وارد جنگ می‌شدند، اما هر چند جنگی رخ نداد، ولی حضور نیروهای ایرانی در سوریه سنگ بنای جبهه مقاومت اسلامی در دهه‌های بعد قرار خواهد گرفت.

کمی قبل و پس از ربایش حاج احمد متوسلیان در ۱۴ تیر ۱۳۶۱، عمده قوای محمدرسول الله(ص) به ایران مراجعت کردند، اما این حضور کوتاه‌مدت باعث ارتباط‌گیری با جوانانی شد که بعدها حزب‌الله

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۲۱

		۵		۶	۱
۹		۱	۷		
		۳	۲		
۵					۸
۷		۸			
			۶	۴	
	۳		۷		۶
				۹	۵
			۱	۳	

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۵۲۰

۶	۷	۸	۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸
۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸	۷	۶	۵
۱	۳	۲	۴	۹	۸	۷	۶	۵	۱
۲	۴	۹	۸	۷	۶	۵	۱	۳	۲
۳	۲	۴	۹	۸	۷	۶	۵	۱	۳
۴	۹	۸	۷	۶	۵	۱	۳	۲	۴
۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸	۷	۶	۵
۶	۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸	۷	۶
۷	۶	۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸	۷
۸	۷	۶	۵	۱	۳	۲	۴	۹	۸
۹	۸	۷	۶	۵	۱	۳	۲	۴	۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

■ ۱... همه در تسبیح اند/نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار ■ ۲... فیلم ملاقلی پور- دخان - پولی که به واسطه نشان دادن هنری بگیرند ■ ۳... سلاح سنگ‌انداز قدیمی- بز نر- از آسانی بانوان ■ ۴... سفینه فضایی اروپایی- ساختمان بلند- الفبای موسیقی ■ ۵... سلطه و نفوذ- برگ برنده- شتر ماده- راه شاعرانه ■ ۶... رطوبت خسیس ■ ۷- زادگاه ایتالیایی- ماه کامل ■ ۷- دستی- لقب شاهان مغول- نام گل نرگس در لفظ لاتین ■ ۸- نوعی درخت صنعتی سوزنی برگ - لنگ نشده- ستون بدن- نام قدیم مشکین‌شهر ■ ۹- بیماری آب سیاه- ایتالی در آلمان- آنتیژی ■ ۱۰- نام دکارت، فیلسوف فرانسوی- ذی حیات- هنوز انگلیسی ■ ۱۱- اسم آذری - ابزی واز دسته در ناسانان- ویتامین نور خورشید- پرحرفی ■ ۱۲- بز کوهی - دهستانی در سهندج با قرآن قدیمی - انگشتی در دست ■ ۱۳- یکی از سه حالت مواد- قوم آتپلا- شهر مقدس برهماییان ■ ۱۴- نام قدیم دریای خزر- راه آذری- از نام‌های خدا ■ ۱۵- ضرب‌المثلی به معنای وجود خود را وقف چیزی کردن